**سومین کاروان معرفت**

**محبوبی اردکانی، حسین**

سابقا ذکر شد که در زمان فتحعلی شاه و محمد شاه کم و بیش پای محصلین ایرانی به‏ اروپا باز شده بود و چون روابط ایران و اروپا نیز روزبروز رو بتوسعه بود،بهمان نسبت‏ کهایرانیان بیشتر با اروپا آشنا میشدند فکر اعزام محصل مخارج نیز نیرو میگرفت.چون‏ موضوع مأموریت فرخ خان امین المللک به اروپا پیش آمد،ضمن هیئت سفارت دو نفر هم به‏ قصد تخصیل اعزام شدند و یک تن نیز هرچند عضو رسمی هیئت سفادت بود چون به پاریس‏ رسید«فورا کارهای دیگر را کنار گذارده مشغول تحثیل طب شد»1چون این سه تن مقدم‏ بر محصلین اعزامی فارغ التحصیل دار الفنون بودند نخست بشرح احوال آنها می‏پردازد: 1-میرزا رضا-پسر مرحوم حاجی میرزا مقیم مستوفی علی آبادی مازندرانی که‏ پس از بازگشت از اروپا به«میرزا رضای دکتر»معروف شد،از شاگردان دکتر پولاک‏ بود2ولی با توجه بتاریخ حرکت هیأت فرخ خان که در 11 ذیقعدة الحرام 1272 ق‏ صورت گرفت معلوم میشودکه مدت تحصیل او نزد دکتر پولاک در حدود چهار سال و نیم‏ بوده ایت و برای اینکه با چنین معلوماتی بتواند در اروپا وارد تحصیل طب شود یا می‏بایست‏ در کار تحصیل بسیار کوشا باشد یا خیلی باهوش و بااستعداد.بهر صورت مدت تحصیل او در پاریس کما بیش چهار سال بوده است.در نمرهء 469 وقایع اتفاقیه بتاریخ 6 محرم 1277 شرحی از یکی از روزنامه‏های پاریس ترجمه کردهاست که مربوط است بامتحان میرزا رضا و هم دورهء او.مطالعهء آن بی‏فایده نیست:

«...در باب متعلمین ایرانی که بفرنگ رفته‏اند3جمیع کسانی که طالبند که تربیت‏ فرنگی و صناتبع فرانسه درممالک مشرق زمین منتشر و متداول شود یقینا بلذت و شعف خواهند شنید که دو جوان ایرانی پس از جواب دادن بر جمیع مسائل طبیه که در یک امتحان،منتظم از ایشان پرسیده شده بود نوشتهء اول طبابت گرفته‏اند.اسم شخص ایرانی ابوعلی نام که در نزد جمیع دانشمندان معروف است مایه معجزهء طب فرنگستان بود ولی امروز فرانسه با منافع‏ کلی رد میکند به اهالی ایران،علومی را که در اواسط ایام از نوشتحات این طبیب معروف‏ آموخته بود4و ایرانیهای آن زمان از زبان همولایتی‏هیا خود اسامی«پیشا5»و«بروسه‏6» (1)-مقالات آقای محیط طباطبائی شفق سرخ-شمارهء 2392-15 تیر 1312 ببعد. مرآت البلدان ج 2 ص 97

(2)-وقایع اتفاقیه نمرهء صدو دویم پنجشنبه سیم ماه ربیع الثانی‏ 1269 ص 1ر2ر3ر

(3)-ظاهرا این تعبیر مترجم است.

(4)-اعترافی است به نفوذ و تأثیر بوعلی در طب اروپا وهشداری است که ما از شما جلو افتاده‏ایم.

(5)- Bichais پزشک‏ و عالم تشریح و فیزیولوژی مشهور فرانسه متولد در توآرت واقع درناحیهء ژورا.مؤلف«تشریح‏ عمومی»(1802-1711).

(6)- Broussais پزشک مشهور فرانسوی(1838-1772 واضع ممکتب فیزیولوژیک متولد در سن‏مالو.

و«ماژاندی‏1»که اطبای معروف و معتبر فرنگی بودند و ترقی کلی که در این اوقات در طبابت‏ فرانسه بهم رسیده خواهند شنید2این دو جوان ایرانی یکی میرزا رضا نام دارد ودیگری‏ میرزا حسین.در سنهء 1857 در خدمت فرخ‏خان بفرانسه آمدند و بمحض ورود بپاریس مشغول‏ بدرس طبو خدمات مریضخانه شدند.این علم را در مدرسه‏ای که اعلیحضرت شاهنشاهی‏3 در تهران درنهایت اهتمام برقرار فرموده‏اند در نزد چند معلم فرنگی ابتدا خوانده بودند و چون در علم تشریح که عملا در نزد ملل مشرق زمین ممنوع است چنانکه درممالک فرنگستان‏ نیز قبل از آزادی رعیت مقبول نبودکامل نمیتوانستند شد بجهت تکمیل در علم و عمل مذکور بامر جهان مطالع‏4و خروج دولت علیهء شاهنشاهی بفانسه آمدند و پس از سه سال زحمت لاینقطع‏ دریافت افتخار علوم را نموده‏اند.این دو جوان اولین ایرانی هستند که این فیض عظیمی را در فرانسه یا یوروپ در برده‏اند5....».

میرزا رضا پس از اینکه در سال 1277 در پاریس فارغ التحصیل شد و به ایران آمد ابتدا بسمت طبیب مخصوص و معلم زبان فرانسه ظل السلطان پسرناصر الدین شاه منصوب شد و در سال 1283 هـ.ق بجای شلیمر6معلم طب جدید دارالفنون شد.

از شاگردان معروف میرزا رضا یکی میرزا علی اکبر خان ناظم الاطباء بود که شهرت‏ اواز استادش هم فزون‏تر گشت و بقول مؤلف تاریخ افضل«اول طبیب ایران»بود7. دیگر دکتر ابوالحسن خان بهرامی پدر مرحوم مهدی بهرامی استاد فقید باستان‏شناس، و سه دیگر مرحوم سید احمد نصر الاطباء(پدر مرحوم دکتر ولی اللّه خان نصر)که هر سه از اطباء معروف زمان خود بودند.

میرزا رضا در فرانسه زن گرفته بود و زن او که مارگریت نام داشت به ظل‏السلطان‏ فرانسه می‏آموخت و شاهزاده در کتاب خود«تاریخ مسعودی»از او اظهار تنفر کرده‏ است‏9و شاید در نتیجهءاین تنفر هم پس از بازگشت میرزا عبد الوهاب پسر احتساب الملک‏ کاشانی از اروپا او را بطبابت خود گزید.میرزا رضا در 1294 درگذشت.وی پسر عموی‏ (1)- Magendie فیزیولوژیست مشهور فرانسوی(1855-1783)

(2)-باز هم میخواهد بگوید ما از شما جلو افتاده‏ایم.

(3)-این هم تعبیر مترجم‏است.

(4)-بشرح ایضا.

(5)-از لحاظ فرانسه صحیح است ولی از لحاظ اروپا خیر.

(6)-ص 48 راهنمای‏ دانشکدهء پزشکی-بهمن 1332 بنقل از«پزشکی نامه»ص 11 و 12.

(7)-تاریخ‏ افضل وقایع سال 1317

(8)-راهنمای دانشکدهء پزشکی بنقل از کتاب«گنجینه دارو و درمان،ص 193.

(9)-«....این میرزا رضا زنی پاریسی داشت،مارگریت نام و بسیار ضعیفهء کثیفی بود...»تاریخ مسعودی ص 30،ودربارهء میرزا رضا مینویسد.«..میرزا رضای‏ علی آبادی حکیم باشی که در پاریس تحصیل کرده بود معلم زبان فرانسه من...»تاریخ مسعودی‏ ص 21-ظل‏السلطان در 13 یا اوایل 14 ساگی حاکم مازندران و گرگان بوده است.

حاجی میرزا عبد الباقی حکیم باشی اعتضاد الاطباء بوده است‏1.

2-میرزا حسین-پسر مرحوم میرزا احمد طبیب افشار.او نیز مانند میرزا رضا از محصلین دورهء اول تدریس دکتر پولاک و چون وی از شاگردان خوب او بود و استعداد او در تحصیل چنان بود که در همان دورهء درس خواندن،کتابی در معالجهء و بانوشت و بحضور شاه برد و بسیار مستحسن افتاده پانزده تومان انعام به او مرحمت شد2.او نیز باتفاق میرزا رضا،جزء هیئت سفارت فرخ خان باروپا فرستاده شد3و بعداز سه سال‏4تحصیل و گذراندن شش امتحان،چند روز زودتر از میرزا رضا فارغ التحصیل گردید واز این جهت‏ نخستین ایرانی است که ازدانشگاه پاریس دکترای پزشکی گرفته است‏5ومیرزا رضا پس‏ از او.وی بامیرزا احمد حکیم‏باشی معاصر بوده و ظاهرا هر دو تحت نظر دکتر تولوزان‏ سرپرست رشتهء طب مدرسه کار میکرده‏اند.درنمرهء 502 روزنامهء دولت علیهء ایران مورخ‏ 19 ربیع الثانی 1278 ضمن صورت کارکنان دارالفنون نام او را نوشته‏اند.وی در شمار «اطباء حضور»نیز بود و یک بارهم برای معالجهء حاج علیخان حاجب الدولهء مقدم حکمران‏ خوزستان مأموریت یافت‏6.

3-میرزا علینقی-پسر حاج اسمعیل جدید اسلام پیشخدمت سلام بود.پدرش‏ فرزند ملاآقای کلیمی بود و ظاهرا بفرمان فتحعلی شاه اسلام آورد و از اینجهت نزد پادشاه‏ تقربی یافت و کم‏کم پیشخدمت سلام گردید.وی در سیاست وارد و گویا از کسانی بود که‏ شورش سربازان را بر ضد امیر کبیر ایجاد کردند،از اینرو و پس از آرام شدن شورش پنجاه هزار تومان جریمه شد و مقام او به حاج علیخان مقدم رسید7.بهر حال،میرزا علی نقی در واقع بعنوان تحصیل همراه هیأت سفارت عازم شد اما در پاریس باو عنوان نایب سفارت داده‏ شد8و چون در طهران قدری طب خوانده بود9در پاریس نیز رشته را تعقیب نمود یعنی:«فورا کارهای دیگر را کنار گذارده مشغول تحصیل طب شد»اما فراغت او از تحصیل‏ بعد از میرزا حسین و میرزا رضا بوده است.میرزا علینقی چون بایران برگشت از آنجا که‏ پدرش از درباریان بود،ابتدا پیشخدمت شاه گردید و پس از پدر مقام او را یافت و پیشخدمت‏ سلام شد10و در عین حال در طهران طبابت هم مینمود و آگهی‏کار و محکمهء اودر روزنامه‏ های آن عصر دیده میشود.وی رفته‏رفته در دربار ترقی کرد و«حکیم الممالک»لقب‏ گرفت ومدتی معادن ایران‏10باو سپرده شد و زمانی هم حکمرانی عراق وبروجرد با او (1)-راهنمای دانشکده پزشکی ص 48 و 49.

(2)-وقایع اتفاقیه نمرهء 105 ربیع الثانی 1269 ص 2

(3)-سمت اوطبیب هیئت سفارت بوده است.مخزن الوقایع‏ ص 430

(4)-در مرآت البلدان ج 2 ص 270 پنج سال ذکر گردیده و تمام مدت‏ رفتن برگشتن ذکر شده است.

(5)-«میرزا حسین در اواخر ماه مه 1860 برای‏ امتحان رسمی دکتری حاضر شد،و پس از چند روز(30مه)میرزا رضا نیز از عهدهء امتحان‏ بر آمد....»مقالات آقای محیط طباطبائی.

(6)-مرآت البلدان ج 2 ص 281

(7)-امیر کبیر و ایران«آدمیت»ص 70.مرآت البلدان ج 2 ص 9 ولی بنده در تردیدم که اسمعیل خان‏ فراش‏باشی همین شخص بوده است یا دیگری.

(8)-مخزن الوقایع ص 429

(9)-او هم‏ از شاگردان خوب دکتر پولاک بود.وقایع اتفاقیه نمرهء صدو دویم پنجشنبه سوم ماه ربیع الثانی‏ 1269 ص 1 و 2 و 3

(10)-مخزن الوقایع ص 429.مرآت البلدان ج 97.

بود.در اوسط سلطنت ناصر الدین شاه جز وزارت دارالشوری و از اعضاء کمیسیون‏ رسیدگی بامتیاز رویتر گشت‏1.در سفر خراسان هم همراه ناصر الدین شاه بود و روزنامهء سفر خراسان شها بقلم اوست،وی ظاهرا مردی خراج بوده است چه باوجود آنکه از دربار مقرری و از محکمهء خود درآمد داشته است مع هذا همیشه بدرآمد تازه نیاز داشته و باصطلاح‏ هشتش گرو نه بوده است.2با این کیفیت این سه نفر نخستین دستهء محصلی هستند که در زمان‏ ناصر الدین شاه به اروپا فرستاده شده‏اند،زیرا آنها را که امیرکبیر به روسیه فرستاده کارگر و هنر آموز بودند.از اثرات هیأت سفارت فرخ‏خان یکی اقدام جدی دربارهء اعزام محصل‏ باروپاست کهان شاء اللّه از شمارهء آیندهء نسبة بتفصیل عرض خواهد شد.

در اینجا از باب حق‏شناسی باید باطلاع خوانندگان گرامی برسد که مبحث اعزام‏ محصل باروپا را هرچند که در مجلهء شرق ذکر آن رفته است نخست آقای محیط طباطبائی‏ بتفصیل مورد بحث و تحقیق قرار داده‏اند و مقالات مفصل وم سلسلی در روزنامهء شفق سرخ‏ سال 1312متشر ساخته‏اند که بسیار مورد استفاده این بنده واقع شده است و فضل تقدم در این بحث بااستادان گرامی آقایان سعید نفیسی و محیط طباطبائی و مجتبی مینوی است‏3 و تجدید بحث از این لحاظ است که اگر بازماندگان و اخلاف این محصلین اعزامی و یا سایر معمرین و مطلعین اطلاعات جامع و دقیقی از آنان دارند نگاردندهء ناچیز را ارشاد و کوششهای ایران برای فراگرفتن تمدن جدید،کاملا روشن گردد.4 مجلهء یغما-چه مایه امتنان از محبوبی دانشمند باید داشت که رنج تحقیق می‏برد،کتاب‏ها را زیرورو می‏کند،روزنامه‏ها و مجله‏های قدیمممم را ورق می‏زند،عمر را تباه می‏فرماید،از خوانندگان باالتماس یاری می‏طلبد تا حقیقی چند را آشکار سازد.مجلهء که از سپاسگزاری‏ عاجز است مگر خانندگان مدد رسانند.

(1)-همان مدرک.

(2)-عصر بیخبری ص 186 بنقل از کتاب«خلسه»اعتماد السلطنه،

(3)-و از گذشتگان مرحوم اقبال رحما اللّه که در مجلهء یادگار و کتب خود بشرح این موضوع‏ پرداخته است.

(4)-.درصورتیکه اسناد و مدارکی هم در خانه‏ها باشد که صاحبان‏ آن نخواسته باشند به بیرون بدهند،بنده خدمتشان میرسم،اگر التفاتی داشته باشند بوسیلهء مجلهء یغما بنده را احضار فرمایند.